

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان:

انقلاب در ادبیات معاصر ایران با تأکید بر شعر

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر نجف لک زایی

استاد مشاور:

دکتر مصطفی ملکوتیان

پژوهش از:

عصمت زارعی

1386

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گواهی بخواهید اینک گواه

همین زخم هایی که نشمرده ایم

تقدیر و تشکر

پس از سپاس به درگاه خداوند منان، از اساتید گرانقدری که در طول تحصیل بزرگوارانه مرا آموختند بخصوص استاد راهنمای گرامی جناب استاد دکتر لک زایی و جناب دکتر ملکوتیان که مشفقانه و بی دریغ یاری ام کردند و قصورم را پذیرفتند، تشکر و قدر دانی می نمایم. علاوه بر آن مرهون لطف معاونت فرهنگی هنری دفتر تبلیغات اسلامی در راهنمایی و استفاده از کتابخانه وزینش می باشم، بنابراین از آن مرکز و کتابخانه نیز سپاسگذارم. و سرانجام از پدر و مادر گرانقدرم که تشکر از آنان پیش و پس نمی شناسد صمیمانه تشکر می کنم.

چکیده

یکی از راههای مشاهده و بررسی یک رویداد، مشاهده آن در متن زندگی اجتماعی است و بررسی ادبیات یک جامعه یکی از بهترین طرق فهم این متون است. بنابراین انقلاب را به عنوان یک پدیده فراموش نشدنی در ادبیات معاصر بررسی نمودیم. برای این بررسی از چارچوب توماس اسپریگنز استفاده نمودیم که چارچوب بحران محسوب می شود و از زیر مجموعه رهیافت هنجاری است و به چهار پرسش اصلی می پردازد: سؤال از چیستی بحران، علت آن، آرمان های متفکر و راه درمان از نظر او.

در این پژوهش تلاش گردید این چهار موضوع در چهار فصل، در دیدگاه چند شاعر به عنوان نمونه ای از جریان های مطرح بررسی گردد. لازم به ذکر است که در عرصه ادبیات نیز جریان هایی همانند عرصه سیاسی حضور دارد جریان ملی گرا، چپ گرا و اسلامی آشکارترین نامی است که می توان بر جریان های مخالف رژیم نهاد. حمید مصدق و شفیعی کدکنی را ملی گرا نامیدیم، طاهره صفارزاده و علی موسوی گرمارودی ا به عنوان اسلام گرا و خسرو گل سرخی را به عنوان یک شاعر چپ گرا ذکر کردیم.

فقر، بی عدالتی در چهار جریان به عنوان بحران ذکر می شود البته با نگاه ویژه آن جریان . همچنین ملی گرایان بر دور شدن از ارزشهای ایرانی (و گاه ایرانی، اسلامی) و اسلام گرایان بر نابودی ارزشهای اسلامی تأکید می نمایند. ملی گرایان، دخالت بیگانگان را به عنوان ریشه بحران ذکر کرده و اسلام گرایان مستقیماً سردمداران رژیم را فاسد و عامل بحران می دانند و چپ گرایان نیز به شیوه تولید اشاره می کنند. در آرمان ها اشتراک بیشتری وجود دارد، رهایی از استبداد، آزادی، استقلال ملی و رهایی از فقر که در اندیشه چپ به شکل تساوی است، بارزترین آرمان ها هستند تحقق حکومت دینی نیز آرمان ویژه اسلام گرایان است. اسلام گرایان در راه درمان روش انقلابی را در پیش می گیرند به تبعیت از مرجعیت دینی و جریان چپ نیز روش انقلابی البته به شیوه خشونت آمیز و چریکی. ملی گرایان نیز به روش اصلاحی، تدریجی معتقد بوده و به ایستادگی و مقاومت در برابر پلیدی ها دعوت می نمایند. قابل ذکر است که مرزبندی ها همیشه به این تفکیک نیست و تداخلاتی در هر چهار موضوع دیده می شود.

فهرست مطالب:

1	<u>مقدمه: طرح تحقیق</u>
2	<u>بیان مسأله</u>
3	<u>علت انتخاب موضوع</u>
3	<u>سابقه پژوهش</u>
3	<u>سؤال اصلی پژوهش</u>
3	<u>فرضیه پژوهش</u>
3	<u>مفاهیم</u>
4	<u>متغیرها</u>
4	<u>سؤالات فرعی</u>
4	<u>پیش فرض های پژوهش</u>
5	<u>هدف پژوهش</u>
5	<u>روش تجزیه و تحلیل</u>
5	<u>دامنه پژوهش</u>

5 سازماندهی پژوهش
6 فصل اول : کلیات و مفاهیم
7 مقدمه
8 ادبیات
9 شعر
10 شعر سیاسی
11 انقلاب
12 گفتار دوم : کلیات
12 1- جریان های مهم شعر فارسی (سه دهه پیش از انقلاب)
15 2- ادبیات ، سیاست و اجتماع
19 3- محافل ادبی تأثیر گذار بر شعر معاصر
20 4- زمینه های سیاسی شعر سیاسی ایران در عصر پهلوی
22 گفتار سوم
22 چارچوب نظری توماس اسپریگنز (روش فهم نظریه سیاسی)
23 1- بحران و مشاهده بی نظمی
24 2- تشخیص درد
26 3- نظم ، خیال ؛ باز سازی جامعه
28 4- راه درمان
31 فصل دوم : شناسایی بحرانها از دیدگاه شاعران
32 مقدمه
32 1_ بحران از دیدگاه خسرو گل سرخی
33 1-1- فقر
35 1-2- تضاد طبقاتی

- 38.....1-3-استعمار و از خود بیگانگی
- 39.....2-بحران از دیدگاه موسوی گرمارودی
- 42.....3-طاهره صفار زاده و توصیف بحران
- 42.....1-3-بحران سیاسی (استبداد)
- 45.....تبعیض و طبقه بندی سیاسی
- 46.....بعد خارجی
- 46.....2-3-بحران فرهنگی
- 50.....3-3-بحران اقتصادی
- 50.....فقر و تبعیض
- 54.....4-3-بحران فرهنگی (اخلاقی): نخبگان فاسد
- 54.....ریا:
- 55.....مرعوب و آلت دست بودن
- 56.....پارتی بازی
- 58.....4-حمید مصدق و بحران
- 59.....1-4-بحران سیاسی: استبداد
- 60.....2-4-بحران اقتصادی: فقر
- 62.....3-4-بحران فرهنگی: دور شدن از اصالتها
- 64.....5-بحران از نگاه محمدرضا شفیعی کدکنی
- 65.....1-5-بحران داخلی: استبداد و اختناق
- 67.....نخبگان فاسد
- 68.....2-5-بحران اقتصادی (فقر):
- 69.....جمع بندی
- 71.....فصل سوم: ریشه یابی بحران ها از دیدگاه شاعران

72مقدمه
72 <u>2-گلserخی و تشخیص درد</u>
73 <u>عام و فراگیری مشکل از دیدگاه گلserخی</u>
75 <u>1-1-استعمار</u>
78 <u>2-تشخیص درد از دیدگاه موسوی گرمارودی</u>
78 <u>1-2-نابودی ارزشها</u>
80 <u>2-2-استعمار</u>
81 <u>3-صفا زاده و ریشه یابی بحران</u>
81 <u>1-3-ریشه سیاسی: استعمار، ریشه خارجی</u>
84 <u>ریشه داخلی</u>
85 <u>2-3-ریشه اقتصادی</u>
87 <u>3-3-ریشه فرهنگی</u>
89 <u>4-ریشه یابی مصدق</u>
89 <u>1-4-ریشه سیاسی: بعد داخلی - بعد خارجی</u>
90 <u>ریشه داخلی</u>
91 <u>ریشه خارجی</u>
92 <u>2-4-ریشه فرهنگی</u>
94 <u>5-ریشه یابی بحران در نگاه شفیع کدکنی</u>
94 <u>1-5-ریشه سیاسی</u>
97 <u>ریشه داخلی</u>
98 <u>جمع بندی</u>
100 <u>فصل چهارم: وضع مطلوب از دیدگاه شاعران</u>
101 <u>مقدمه</u>

101	1-موسوی گرمارودی و بازسازی
101	1-1 آزادی
102	1-2 آرامش
103	2-بازسازی و ترسیم جامعه مطلوب صفارزاده
104	2-1 بازسازی سیاسی
106	ملی گرایی
110	2-2 بازسازی اقتصادی: عدالت
112	2-3 بازسازی فرهنگی
112	نگاه نو به مذهب
115	حقانیت
117	3-گل سرخی و بازسازی جامعه
117	هنجارهای آرمانشهر
118	3-1 رفاه / فقر
119	3-2 آزادی / اسارت و از خود بیگانگی
122	3-3 صلح و آرامش / جنگ و تنش
123	3-4 عدالت / ظلم
124	4-بازسازی از نگاه حمید مصدق
126	5-بازسازی شفیعی کدکنی
126	5-1 بازسازی سیاسی
126	سقوط دیکتاتورها
127	آزادی
129	5-2 بازسازی فرهنگی
129	ملی گرایی دینی

131 <u>جمع بندی</u>
132 <u>فصل پنجم: شیوه انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب</u>
133 <u>مقدمه</u>
133 <u>1-راه درمان گلسرخی</u>
136 <u>2-راه حل صفارزاده</u>
143 <u>3-راه حل موسوی گرمارودی</u>
148 <u>4-راه حل مصدق</u>
153 <u>5-راه درمان شفیعی کدکنی</u>
159 <u>جمع بندی</u>
161 <u>خاتمه : نتیجه گیری</u>
165 <u>پیوستها</u>
166 <u>معرفی شاعران مطرح</u>
166 <u>محمد رضا شفیعی کدکنی</u>
168 <u>طاهره صفارزاده</u>
168 <u>خسرو گلسرخی</u>
169 <u>علی موسوی گرمارودی</u>
169 <u>حمید مصدق</u>
172 <u>فهرست منابع</u>

مقدمه:

طرح تحقیق

بیان مسأله

وقایع مهم اجتماعی در هر جامعه ای، معمولاً تا سالها مورد توجه و بررسی قرار می گیرند و در حوزه های مختلف تحقیقاتی، ادبی و هنری و... دیده می شوند. یکی از مهمترین وقایع انقلاب ها است و یکی از حوزه هایی که می تواند بیانگر افکار و اعتقادات، و شرح دهنده وقایع و رخدادها باشد، نیز، ادبیات است چرا که ادبیات یکی از نمادهای بارز جریان و تفکر رایج هر عصری است. تا جایی که برخی اعتقاد دارند شاعران بهترین مورخان تاریخ اند.¹

در این خصوص سعی نمودیم از همین زاویه به ادبیات معاصر ایران پردازیم و انقلاب را در آن مورد کنکاش قرار دهیم. بخاطر وسعت دامنه در این حوزه، به خوشه چینی چند شعر از این گلستان بسنده کردیم. بازه زمانی مان نیز به قبل از انقلاب محدود گردید که دهه سی، چهل و پنجاه، خصوصاً دو دهه آخر را در بر می گیرد.

علت انتخاب موضوع

ادبیات گاه لایه پنهان مسائل اجتماعی است. وجود استعارات، کنایات و... در ادبیات این قابلیت را به آن می دهد که در چند لایه تعریف پذیر شود و همین موضوع است که در برخی شرایط دشوار می تواند آن را از معرض آسیب محفوظ دارد و حتی گاه در شرایط استبداد و خفقان، بیش از سایر حوزه ها فعالیت نماید. انقلاب اسلامی به عنوان نقطه عطف پدیده های اجتماعی دهه هفتاد یک شبه تحقق نیافته است و دانستن زمینه ها و جریانات دخیل در بروز آن همواره مورد علاقه بوده است و یکی از این زمینه ها ادبیات است.

1 طاهره صفارزاده، حرکت و دیروز، چاپ اول، تهران، رواق، 1357.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

بی شک اهمیت این پژوهش می تواند آگاهی از جریان و حرکتی باشد کم کم مجال بروز می یابد، تقویت می شود و نمود می یابد. و سودمند است از آن جهت که برهه ای از تاریخ را که نقش مهمی در احیای هویت ملی، دینی دارد، زنده نگه می دارد.

سابقه پژوهش

پژوهش های اندکی با این موضوع دیده شده است، اصلی ترین آنها شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم است که به صورت جریان شناسی به بررسی تمام اشعار سیاسی می پردازد و شعرمحور است. آثار دیگری نیز به صورت جسته و گریخته به چنین پژوهشی پرداخته اند که البته کمتر آثار شعرای سرشناس در آنها دیده می شود و همین طور این آثار بیشتر بعد از انقلاب را مدنظر قرار داده اند. تفاوت بارز اثر ما با آثار ذکر شده، شاعر محوری شعر است و نه شعر محوری.

سؤال اصلی پژوهش

مضامین انقلابی در شعر معاصر ایران در پاسخ به حل چه مشکلات و معضلاتی ارائه شده است؟

فرضیه پژوهش

مضامین انقلابی در شعر معاصر ایران در پاسخ به بحران هایی از قبیل سلطنت استبدادی، تبعیض طبقاتی، استعمار، از خود بیگانگی فرهنگی، بی کفایتی سیاسی و... ارائه شده است.

مفاهیم

ادبیات

شعر

ادبیات سیاسی

انقلاب

متغیرها

متغیر مستقل: بحران های ایران معاصر از قبیل سلطنت استبدادی ، معضلات اقتصادی ، استعمار، بی

کفایتی سیاسی و... .

متغیر وابسته: استقرار حکومت مطلوب از طریق انقلاب

سؤالات فرعی

1_شاعران ، در ایران معاصر ، بی نظمی و بحران را چگونه توصیف کرده اند؟

2_شاعران،در ایران معاصر ، ریشه و علت را در چه دیده اند؟

3_شاعران معاصر ایران ، آرمان خود را در چه دیده و چگونه جامعه مطلوب خود را باز سازی کرده اند ؟

4_شاعران معاصر ایران ، چه راه حلی برای رسیدن به جامعه مطلوب ارائه داده اند؟

پیش فرض های پژوهش

ادبیات به مثابه نبض جامعه نشان دهنده رضایت و یا نارضایتی مردم از قدرت سیاسی موجود است. افکار و اندیشه های سیاسی ارائه شده در ادبیات هر کشور ، در جهت حل معضلات و بحران های آن کشور است.

هدف پژوهش

هدف این پژوهش تبیین انقلاب در شعر معاصر ایران است.

روش تجزیه و تحلیل

روش ما در این پژوهش ،روش فهم نظریه های سیاسی توماس اسپریگنز ، از زیر مجموعه های رهیافت هنجاری ، می باشد.

دامنه پژوهش

جامعه آماری ما، شامل شعرای معاصر ایرانی است که به علت اینکه دامنه آنان بسیار فراخ تر از مجال ما بود به انتخاب چند شاعر پرداختیم. ملاک انتخاب نیز علاوه بر مطرح بودن نسبی شاعر، انتخاب بر اساس تیپ شناسی و جریان شناسی شاعران بود.

سازماندهی پژوهش

در فصل اول به بیان مفاهیم و کلیات و چارچوب پژوهش خواهیم پرداخت. فصل دوم را به بیان بحران از دیدگاه شاعران منتخب اختصاص می دهیم. در فصل سوم علت و ریشه یابی را از دیدگاه آنان مورد بررسی قرار می دهیم، فصل چهارم به آرمان های شاعران مطرح اشاره دارد و در فصل پنجم راه حل ها را بررسی می کنیم. در پایان نیز نتیجه گیری از کلیه فصل ها ارائه می شود.

فصل اول:

مفاهیم و کلیات و

چارچوب نظری

مقدمه

در این فصل سعی می‌نماییم مفاهیم مطرح در این رساله را بررسی نموده و چارچوب نظری را مطرح نماییم. پیش از آن ذکر نکاتی لازم به نظر می‌آید. ادبیات دارای شاخه‌های متعددی است که همه آنها به نوعی به حوادث اجتماعی و سیاسی پرداخته‌اند از جمله انقلاب. داستان، نمایشنامه، مقاله‌نویسی و شعر از شاخه‌های ادبیات هستند هر کدام از اینها نه تنها در ایران، در تاریخ جهان به مقوله انقلاب پرداخته‌اند در نمایشنامه‌نویسی، برشت و در مقاله‌نویسی آلبر کاموبه مقوله عصیان و انقلاب توجه کرده‌اند در ادبیات داستانی جهان، انلاب در آثار نویسندگان برجسته‌ای چون سیلونه و مارکز، و در ایران سیمین دانشور به روایت در آمده است و در مقوله شعر نیز شاعران

توجه خاصی به انقلاب داشته اند که هاینریش هاینه و پابلو نرودای شیلیایی را به طور نمونه می توان نام برد فرخی یزدی و میرزاده عشقی در ایران در دوره مشروطه قابل ذکرند.²

از آنجا که گستره ادبیات بسیار وسیع است به ناچار بسنده کردن به شعر را غنیمت دانستیم و از آن هم بسنده کردن به چند شاعر را. بیشمار شاعر را در این دوره می توان دید که به نوعی به انقلاب اشاره کرده است و انتخاب از این بین کار دشواریست. بنابراین سعی نمودیم از جریانات مطرح در این دوره به گزینش پردازیم و افرادی را بر گزیدیم که اشعار قابل توجهی داشته باشند از لحاظ ارزش هنری و ماندگاری در ادبیات ایران و همین طور قابل توجه از لحاظ کمی تا بتوان به مشی فکری و عقیدتی شاعر دست یافت چراکه آثار عده ای از شاعران به حادثه ای خاص یا محتوای خاصی محدود میشود و با چارچوب مورد نظر قابل بررسی نبوده است. ناگفته پیداست که نوعی از سلیقه نیز در این بین دخیل بوده است.

گفتار اول : مفاهیم

ادبیات

ادبیات برگرفته از کلمه «ادب» می باشد. که در معنای لغوی در معنای آزر، خوبی پرورش، زیرکی و... به کار رفته است³ اما در معنای اصطلاحی با تعاریف متعددی روبرو است. از جمله تعریف دهخدا در لغت نامه دهخدا که ادبیات را در معنای محدود و مضیق به مجموعه دانش ها یا علوم ادبی تعریف می کند که بعضا به آثار ادبی نیز همین کلمه اطلاق می شود.⁴ در تعریف دیگر ادبیات را نوعی از انشا به نظم یا نثر دانسته اند که هدفش فقط ابلاغ حقایق نیست بلکه بیان داستان یا لذت خاطر بخشیدن به خواننده است با استفاده از نوعی تخیل آفریننده در کاربرد

2 عباس منوچهری، **نظریه های انقلاب**، تهران: سمت، 1380، ص، 45.

3 علی اکبر نفیسی، **فرهنگ نفیسی**، جلد اول، تهران: خیام، ص، 141.

4 علی اکبر دهخدا، لغتنامه، جلد اول، تهران: دانشگاه تهران، 13473، ص، 1313.

کلمات⁵. خلاصه آن که ادبیات به معنای خاص به هر اثر شکوهمند و ممتازی اطلاق می شود که در آن عامل تخیل دخیل باشد و با دنیای واقعی نیز ارتباط معنا داری داشته باشد.⁶ در این تعریف سه مشخصه برای یک اثر ادبی ذکر شده است، اول شکوهمندی و ممتازی اثر دو معامل تخیل، و سوم ارتباط معنادار با دنیای واقعی که در دو مورد دوم باید اعتدال رعایت گردد و سه ویژگی در کنار هم قرار گیرد.

یک اثر ادبی دارای ویژگی های خاصی است لز جمله: تلویحی بودن (بسنده کردن به خلاصه ونه شرح کامل جزئیات)، استفاده از سمبل ها (برای بیان خصلت و عادات و اعتقادات خاص)، دوگانگی (ابداع آزادانه و نه تقلید محض از واقعیات).⁷

شعر

شعر بخش منظوم ادبیات است که بخش قابل توجهی را دربر می گیرد. علمای عروض، وجه تمایز شعر را از نثر، وجود وزن و قافیه دانسته اند بدون توجه به محتوا اما برخی قید خیال انگیزی را نیز ضروری می دانند و و برخی نیز بر تأثیر شعر بر عواطف و احساسات تأکید می کنند اما دکتر شفیع کدکنی چنین تعریفی از شعر بیان می کند: «شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبانی آهنگین شکل گرفته است.»⁸ بنابراین سه ویژگی برای آن ذکر می کند، عاطفه (زمینه عاطفی و درونی شعر، به اعتبار این که شاعر به جهان بیرون چگونه نگاه می کند)، تخیل (فعالیت ذهنی شاعر برای کشف روابط پنهانی اشیا و ارتباط برقرار کردن بین اشیا یا حالاتی که ظاهراً هیچ ارتباطی با هم ندارند) و زبانی آهنگین (منظور تنها وزن نیست بلکه هر گونه تناسب در شعر، خواه صوتی و خواه معنوی مثل تضاد و طباق) و شکل شعر هم مطرح است که می تواند قالب های سنتی غزل و... باشد یا شکل درونی و ذهنی که

⁵ دیوید دیچز، شیوه های نقد ادبی، غلامحسین یوسفی و محمد تقی صدقیانی، تهران: علمی، 1366، ص 29 به نقل از احمد درستی، شعر سیاسی در دوره

پهلوی دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1381، ص 24.

⁶ جمال میرصادقی، داستان و ادبیات، تهران: نگاه، 1372، ص 11، به نقل از همان، ص 25.

⁷ احمد درستی، پیشین، ص 26-28.

⁸ محمدرضا شفیع کدکنی، ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران، توس، ص 93.

همان پیوستگی عناصر مختلف یک شعر است در ترکیب عمومی آن.⁹ و شعر موفق شعری است که بین تمام عناصر آن هماهنگی وجود داشته باشد تا بتواند در خدمت ارائه تصویر مورد نظر شاعر باشد.

شعر سیاسی

امروزه سیاست در تمام شؤون زندگی بشر حضور داشته و در آن دخالت می نماید یا تأثیر می گذارد. اگر سیاست را رسیدگی به امور عمومی مردم تعریف کنیم یک معنای عام را اراده کرده ایم که همه جنبه های زندگی بشر را دربر می گیرد. بنابراین واژه شعر سیاسی نباید غریب بنماید. صاحب نظران برای شعر سیاسی تعاریف متعددی ذکر کرده اند. در تعریفی، شعری سیاسی تلقی می گردد که در باب مسائل روز با یک جهت گیری فکری، به نقد و بررسی مسائل مبتلابه جامعه پردازد که مبتنی بر رویدادهای اجتماعی است.¹⁰ این تعریف بسیار کلی است. مسائل روز و رویدادهای اجتماعی این تعریف را شامل تمام مسائل اقتصادی، بهداشتی، نظامی و... می کند. در تعریفی دیگر نیز شعر فی نفسه یک پدیده سیاسی به شمار می رود چرا که وسیله برقراری ارتباط با دیگران است. طرفداران این تعریف هر نوع ارتباطی با دیگران را سیاسی می دانند.¹¹ در دانش نامه «شعر و فن شعر» پرینستون چنین تعریفی از شعر آورده است: شعر سیاسی شعری است که با مطالب عمومی یا امور عامه به ضمیمه حوادثی که از دل بستگی های خود شخص فرا می روند، سرو کار دارد. بنا بر این با تعریف واحدی از شعر سیاسی مواجه نیستیم که می تواند منبعث از تفاوت در تعریف خود سیاست باشد. در مجموع می توانیم شعر سیاسی را چنین تعریف کنیم: هر کلامی که علاوه بر داشتن جوهرها و عنصر شعری، به نحوی به موضوع قدرت و حاکمیت در جامعه و روابط غیر شخصی افراد پردازد.¹²

9 همان، ص 107-56.

10 کیانوش مایلی، بررسی اجمالی شعر سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب ایران، روزنامه جمهوری اسلامی، 74/3/30، به نقل از

درستی.

11 ناصر پور قمی، شعر و سیاست، ج سوم، تهران: مروارید، ص 21، به نقل از همان ص 53.

12 همان، ص 54.

انقلاب

انقلاب نیز با تعاریف متعدد روبرو است. انقلاب هم به عنوان طریقه ای برای رسیدن به آرمان های متعالی و در پاسخ به سؤالات بنیادین انسان در باب معنای حیات و غایت سرنوشت انسانی مطرح است و هم در سطحی بسیار خرد به عنوان صرف واکنش های آنی افراد در پاسخ به محرک های بیرونی. انقلاب هم به عنوان یک فرایند بنیادی تغییر در ساختار سیاسی، اجتماعی مطرح است و هم در سطحی بسیار خرد به عنوان نوعی کنش خشونت بار. انقلاب هم به عنوان نتیجه تاریخی یک عامل مسلط در نظر گرفته می شود و هم محصول احتمالات عینی که در تعامل و تقابل با یکدیگر قرار دارند. اما وجه بارز پدیده انقلاب، تغییر در ساختار اقتدار سیاسی است و وجه تمایز آن با هر دگرگونی دیگر، بروز تغییر در همه یا بیشتر حوزه های سیاسی اجتماعی یک جامعه است و می تواند نقطه آغاز دوران جدیدی برای آن جامعه باشد.¹³

13 عباس منوچهری، پیشین، ص 9.

گفتار دوم: کلیات

1- جریان های مهم شعر فارسی (سه دهه پیش از انقلاب)

همواره جهت گیری هایفکری منبعث از حوادث سیاسی بوده است. حافظه تاریخی ایران انقلاب مشروطه را با افکار مساوات طلبانه و مشروطه خواهی که از غرب وارد ایران شد و رنگ و بوی ایرانی به خود گرفت به یاد می آورد که منجر به تشکیل احزاب و... گردید. در شهریور بیست با اشغال ایران و هرج و مرج داخلی زمینه فعالیت سیاسی بیشتری فراهم گردید. با انتخابات مجلس چهارده 1322چهل و دو حزب سیاسی که منشعب از شانزده حزب اصلی بود فعالیت داشتند که پس از انتخابات مجلس چهارده فقط شش حزب به فعالیت ادامه دادند: حزب همرهان، حزب ایران، حزب عدالت، اتحاد ملی، حزب وطن و حزب توده.

این احزاب و گروه ها جدا از منافع شخصی و گروهی از نظر گرایش فکری و عقیدتی سه گرایش سلطنت طلبی، ملی گرایی (وطن پرستی) و سوسیالیستی محتوای اهداف و مرامنامه آنها را در بر می گیرد، که حزب توده و جبهه ملی بیش از دیگران تأثیرگذار و مورد توجه بوده اند. با ورود نیروهای اسلامی به صحنه به صورت احزاب سیاسی و حمایت از ملی شدن صنعت نفت گرایش های اسلامی نیز به صورت فعال مطرح شد. به ویژه پس از 15 خرداد 42 روشنفکران زیادی به این خط فکری تمایل پیدا کردند. جریان سلطنت طلب نیز نه به دلیل حمایت مردم، بلکه به خاطر حمایت دولت تا انقلاب به حیات خود ادامه داد و گاه به شکل احزابی چون ملیون، مردم و رستاخیز نمود می یافت.

سه جریان مخالف رژیم در ایران قبل از انقلاب در کنار هم فعالیت داشتند که البته در مقاطعی یکی یکی سبقت را از دیگری می ربود. به طور مثال شهریور بیست حزب توده و جبهه ملی بیشتر مطرح بودند اما اواخر حکومت پهلوی، جریان اسلامی به شدت پررنگ بود. جریان ملی گرایی و سوسیالیستی علی رغم تفاوت های ظاهری از لحاظ آبشخور غربی اشتراک داشتند که هر دو در ایران با زمینه های خاص ایرانی تغییراتی کردند. به

همین دلیل است که برخی معتقدند گرایش های عمده فکری از جبهه ملی گرفته تا گروه های مارکسیستی و حتی خود رژیم پهلوی آبخور ایدئولوژیکی واحدی داشته اند، ترکیبی از ایران پرستی سنتی و تفکر سوسیالیستی. چنین ترکیب ناسازگاری در سایه قبیله گرایی موجود در فرهنگ سنتی و ارزش ها و آرمان های جمع گرایانه امکان پذیر شده بود. بیگانه ستیزی از مشخصه های جریان های سیاسی و فکری ایران به شمار می رفته است، همین ویژگی است که در دوره ای به گسترش حزب توده کمک کرد و زمانی هم که این حزب به سیاست های استالین نزدیک شد محبوبیت خود را به شدت از دست داد.¹⁴ (قابل ذکر است که افراد نسبتاً قابل توجهی عضویت حزب توده را داشته اند کسانی چون مهدی اخوان ثالث که پس از دستگیری عظیم حزب توده در زندان متوجه روابط حزب و دولت روسیه شده و از آن کناره گیری کرد، همین طور جلال آل احمد ف نیما یوشیج نیز گرایشات چپ گرایانه داشته است.) این ارزش های مشترک بود که باعث گردید خلیل ملکی «حزب نیروی سوم» را پایه گذاری نماید. این «سوسیالیسم ایرانی» در واقع ادامه منطقی «دموکراسی ایرانی» بوی که به ناگزیر بازگشت به خویشتن جامعه پدر سالارانه رادر پی می آورد و توانست عده زیادی از روشنفکران و صاحبان قلم را جذب نماید.

در بین گروه ها و جریان های اسلامی نیز طیف وسیعی از اندیشه ها تیب های مؤتلفه اسلامی گرفته تا خداپرستان سوسیالیست، نهضت آزادی و مجاهدین خلق وجود داشت. از این گروهها حزب ملل اسلامی مبتنی بر اصول گرایی بود. نهضت آزادی ضمن همراهی با جریان های ملی گرایی بر نقش اسلام و روحانیت تأکید می کرد و خداپرستان سوسیالیست نیز بر جنبه های عدالت گرایانه اسلام تأکید می نمود و مجاهدین خلق نیز سعی می نمودند تئوری های مارکسیستی را با عقاید اسلامی تلفیق کنند.¹⁵ این جریانات اشتراکات زیادی با هم دادنی و کمتر خالص مانده اند و جریان های ملی گرا سوسیالیست، اسلامی ملی گرا، اسلامی سوسیالیست، و... را می توان مشاهده کرد.

سابقه این تفکرات را نیز در ایران می توان مشاهده کرد به طوری که ناسیونالیسم در ایران بیشتر به معنای اعتقاد اکثریت مردم (یک جامعه سیاسی و ملت) به حق داشتن میهن مستقل و شورواشتیاق برای ایثار و فداکاری برای آن ملت بوده است. این میهن پرستی در اشکال تحریم تنباکو، واکنش به قرارداد 1919 و ملی شدن صنعت نفت نمود یافت.

14 موسی غنی نژاد، جامعه مدنی، آزادی، اقتصاد و سیاست، تهران: طرح نو، 1377، به نقل از احمد درستی، پیشین، ص 101

15 احمد درستی، پیشین، ص 101.

سوسیالیسم نیز در ایران ابتدا با میرزا آقاخان کرمانی ترویج گردید و از نظر تشکیلاتی با حزب "همت" 1283 در بادکوبه (برای کارگران ایرانی) فعالیت نمود که در ایران توسط حیدر عمواغلی به صورت گروه سوسیال دموکرات ها نمود یافت. در زمان رضاخان به خاطر ممنوع بودن فعالیت های کمونیستی، گروه ارانی حزب کمونیسم که ادامه احزاب چپی مشروطه بود توجه خود را متوجه روشنفکران کرد و به تبلیغ کمونیسم طن تحصیل کردگان پرداخت که رد سال 1316 این گروه (53 نفر) دستگیر شدند و در زندان ارانی به آموزش کمونیسم پرداخت که هسته اولیه حزب توده را بنا نهاد و با سقوط رضاخان و آزادی آنان این حزب تشکیل گردید. بعدها عده ای از حزب منشعب شدند و احزاب کوچک و بزرگ کمونیستی دیگری نیز تشکیل گردید.

پایه و ریشه اندیشه های اسلامی نیز در ایران به قدمت ورود سلام می رسد که در دوره وی به عنوان مذهب رسمی اعلام گردید و همکاری هایی بین علما و فرمانروایان صورت گرفت اما دخالت علما در سیاست بیشتر به اختلاف اخباریون و اصولیون (معتقدان به استفاده از روش های خاص برای استنباط حکم الهی در مسائل مستحدثه) مربوط می شود که تأثیرات مهمی بر مسائل سیاسی گذاشت چراکه دخالت آنان را که پیش از این مطرح نبود در پی داشت. در دوره قاجار نقش علما در سیاست را می توان در حادثه تنباکو، واقعه مشروطیت و جنبش های اعتراضی، اسلامی میهن پرستانه خیابانی و جنگلی می توان دید، مدرس در دوره رضاخان و بازگشت نیروهای اسلامی در شهریور بیست. گروههایی چون فدائیان اسلام با ترور هژیر و رزم آرا فعالیت داشتند همچنین ملی شدن صنعت نفت با دخالت اسلام گرایان همراه بود، اما فعالیت عمده اسلامی به حضرت امام مربوط می شود که پس از فوت آیت اله بروجردی رهبری فعالیت های اسلامی را به عهده داشتند.¹⁶

2- ادبیات، سیاست و اجتماع

ادبیات هر جامعه در ادوار مختلف تحت تأثیر حوادث سیاسی، اجتماعی است و بر این اساس نیز ویژگی های خاصی را به دست می آورد. شعر فارسی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در ادوار مختلف متأثر از رویدادها بوده است. دکتر شفیعی کدکنی ادوار شعر فارسی را چنین تقسیم می کند:

الف_ دوره قبل از مشروطیت
ب_ دوره مشروطیت
ج_ عصر رضاشاهی (1299 تا 1320)
د_ از شهریور 20 تا کودتای 28 مرداد 1332

16 احمد درستی، پیشین، ص 109-101.

هـ_ از کودتای 1332 تا حدود 1340 و_ از حدود 1340 تا 49
ز_ از 1349 (اوج مبارزه مسلحانه) تا 1357 (سقوط سلطنت)

همان گونه که شعر پیش از مشروطیت ایستا و ساکن بود شعر دوره مشروطه آنچنان آن را دچار تحول کرد که می توان گفت پیوندش را با گذشته گسست.¹⁷ و شعر مشروطه با میهن پرستی و انتقاد اجتماعی در آمیخت. و وطن و آزادی کلید واژه اصلی شعر این دوره گردید. از دیگر ویژگی های این دوره ظهور ادبیات کارگری بود که در دوره رضا خانی با سانسور و... کمرنگ گردید و اجازه رشد نیافت. همین طور توجه به غرب و صنایع غربی در این دوره نمایان است. این دوره همچنین شاهد تحول عظیم شعری توسط نیماست.¹⁸

ادبیات کارگری، رمانتیسیم عصر رضاشاهی و صدای نیما که کاملاً اجتماعی و سیاسی است در این دوره شنیده می شود. این دوره با رشد اندیشه های سوسیالیستی همراه است که به علت در هم شکستن یک نظام استبدادی، نوعی رئالیسم اجتماعی، حمله به امپریالیسم، پرداختن به مفهوم امپریالیسم و مسائل جهان خواری، ستایش صلح و دشمنی با جنگ و... مضمون رایج روزگار گردید. در این دوره انتقادهای سطحی رضاشاهی جای خود را به انتقادهای بنیادی می دهد و زبان به شعر محض نزدیک تر می شود و شعر در همان زبان کنایه ای _متوجه بنیاد های اجتماعی است. یکی از خصلتهای شعری این دوره نگرانی شاعران نسبت به پیرامونشان بود. شاعر به طور وسیع، نه تنها درگیری با امپریالیسم را در محیط زندگی خودش می بیند، بلکه آن را در سراسر جهان می نگرد و تصویر می کند. در هم شکستن رژیم رضاشاهی و بوجود آمدن احزاب و روزنامه ها در بوجود آمدن این فضا مهم بوده اند.

بعد از 28 مرداد یکی از موضوعات اصلی شعر یأس و ناامیدی و سخن از مرگ است که نتیجه سرخوردگی کودتاست و نوعی نفرت شاعران از نهادها و اصول سنتی اخلاق حاکم بر جامعه رواج می یابد.

بعد از سالهای 40 تأمل در مسائل سیاسی بیشتر می شود و آن یأس کذایی و یا امیدواری عجیب و غریب کمتر می شود ولی سنتز آنها تبدیل به یک تفکر عمیق اجتماعی همراه با نوعی نگرش انتقادی و گاه طنز می شود. در این دوره مبارزات مسلحانه نیز نسبتاً اوج می گیرد.

17 مقاله از انقلاب تا انقلاب، محمد رضا شفیعی کدکنی، به نقل از ادبیات نوین، به نقل از دی مظفری ساوجی **شهید 60 شوکران** غزل اجتماعی معاصر، تهران: تندیس، 83، ص 109.

18 محمد رضا شفیعی کدکنی، **ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت**، تهران: سخن، 1380.

دوره دیگری نیز شکل می گیرد که آغاز آن 1349 (سال واقعه سیاهکل) است در این دوره شاعران جوانی نیز رشد کردند که بعضی شان خود در نبرد مسلحانه کشته شدند (مانند سعید پایان، مرضیه اسکویی...) این مبارزات مسلحانه در فضای شعری کشور نیز مؤثر بود و جو شعری از این هوا متأثر. درونمایه های تازه شعر این دوره نیز عبارتند از: ستایش قهرمانان مبارزه مسلحانه، وصف شکنجه ها و زندانها و میدان های اعدام، در هم کوبیدن همه عوامل یأس و ناامیدی سابق و امید و انتظار چیزی که مثل بهار از همه سو بیاید.¹⁹

و اساساً حول و حوش این دوره (از اواخر دوره مشروطه تا انقلاب اسلامی) از برجسته ترین ادوار تاریخی است که پیوند شعر با اجتماع نضج گرفته و اوج یافته است. در این دوران بیش از هر زمان دیگر شعر و ادبیات کوشیده است تا آئینه اجتماع و آرمانهای مردم باشد و مخاطبان نیز متأثر از رخدادها و رویکردهای سیاسی، اجتماعی توقع تعهد و التزام شدید اجتماعی داشتند و تحت تأثیر این توقع است که هنر و ادبیات با تن دادن به انواع و اقسام تقلید و تعهد حتی از نوع حزبی آن، می کوشید که بازتاب عینی اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و هم سو با تمایلات مردم باشد.²⁰

دهه چهل و پنجاه در کنار گرایش به تفکر و ادبیات مدرن غربی، گرایش عظیمی در بین قشر جوان و آرمان گرا به آثار فلسفی و جامعه شناسی ادبی چپ گرا بوجود آمد به نحوی که حتی آثار ادبی جامعه شناسی سوسیالیستی، از مهمترین آبخورهای نسل این دو دهه است از جمله مایا کوفسکی.²¹

قابل ذکر است که از نیمه های دهه چهل به بعد شعر نو دو گرایش متضاد پیدا کرد: از یک سو جریان شعر صریح سیاسی، اجتماعی (شعر مقاومت) به راه افتاد و از سوی دیگر جریان فرمالیستی «موج نو» با نگرش هنر برای هنر ظهور کرد (که نوعی نفرت از مسائل اجتماعی را بیان میکرد). شعر مقاومت «چریکی» برخلاف شعر نمادین دهه سی، که روحی سرخورده و نومید داشت، سرشار از امید و نوید و طغیان بود که از عمده دلیل ظهور آن می توان به آزادی نسبی مطبوعات و تأثیر مبارزات ضد استعماری و استقلال طلبانه ویتنام، کوبا، الجزایر، فلسطین و... و گرایش به مبارزات مسلحانه دانست. از سوی دیگر اصلاحات اجتماعی، اقتصادی، گسترش شهرنشینی، گرایش آشکار به غرب، خستگی از اشعار سیاسی و.. موج نو را برانگیخت که از نمایندگان آن، احمد رضا احمدی و یدا... رؤیایی را می توان نام برد.

19 همان .

20 محمد رضا روزبه، شعر نو فارسی، شرح، تحلیل و تفسیر، تهران: حروفیه، 1383، ص 63.

21 همان، ص 120.

حوادث سیاسی در گسترش شعر مقاومت مؤثر بودند از جمله واقعه سیاهکل در بهمن 49، که ظنین آن در فضای سیاسی، اجتماعی، شعر خروشان چریکی را شدت بخشید. متعاقب آن رخداد‌های چون آغاز جنگ مخفی مسلحانه از سوی گروه های مبارز چریکی همراه با اعتراضات گسترده دانشجویی و روشنفکری، دستگیری ها و اعدام ها و... فضای جامعه را به شدت سیاسی و ملتهب ساختند. بدین ترتیب شعر نو با انبانی از واژگان نمادین نظیر خون و خشم و خنجر، جنگل، شقایق، زخم و خنجر، رگبار و گلوله و... فضای ادبی آن سال ها را تسخیر کرد. از شاخص ترین چهره های مقاومت می توان به این نام ها اشاره کرد:

در طیف مذهبی: شفیعی کدکنی (م-سرشک)، طاهره صفارزاده، علی موسوی گرمارودی، نعمت میرزازاده (م-آزرم) در طیف چپ گرا: سعید سلطان پور، سیاوش کسرایی، خسرو گلرخی، مرضیه مهین اسکویی، علی میر فطروس، محمد امینی لاهیجی (م.راما)، رضا مقتصدی و...²²

در شعر چریکی مخاطب توده های مردم اند پس شاعر شعر را چون سلاحی آتشین در خدمت آرمان های اجتماعی و مردمی به کار می گیرد. به همین خاطر شعر، کم بهره از نمادهای پیچیده و روشنفکرانه، به بیانی تند و کوبنده می گراید تا بیدار گر و برانگیزاننده و هیجان آفرین باشد.

برپایی جشن های 2500 ساله شاهنشاهی، در پائیز 50 نیز موجی از خشم و نفرت همراه با طعن و تمسخر را در میان اقشار مردم و قشر انقلابی روشنفکر دامن زد و ادبیات مقاومت را شعله ور تر ساخت. آموزه های نو مذهبی دکتر علی شریعتی نیز از آبخورهای اصلی شعر و ادبیات معترض مذهبی آن سال ها است. برجسته ترین مجلات ادبی در دهه پنجاه عبارتند از: تماشا، رودکی، نگین، فردوسی، کتاب امروز، اندیشه و هنر، جنگ اصفهان، صدا و...²³

سال 57 با زایش و گسترش طوفان انقلاب، شعر و ادبیات به معنای اصیل و عمیق آن اقتضای زمانه، و شرایط اجتماعی، جای خود را به سرود و شعار و خطابه و بیانیه و اعلامیه های انقلابی سپرد. به خاطر همین بود که در کنار شعار و سرود، رایج ترین اشعار دوره انقلاب همانا شعر _شعارهای کسرایی، م-آزرم، میرفطروس، گلرخی و... بودند. در سال 57 شور انقلاب سراسر ایران را فرا گرفت. اعتصابات، راهپیمائیها، جنگ و گریزها، درگیری های خیابانی و گسترش دامنه آزادی های سیاسی و... ذهن ها و زبانها را به خود مشغول ساخت و عرصه ادبیات موقتا صحنه را به نفع مبارزات پرشور ترک گفت. شاعران و نویسندگان برجسته نیز برخی مؤمنانه و برخی با

22 همان ص 122.

23 همان، ص 124.

تردید و تشکیک به کاروان انقلاب پیوستند و برخی نیز در پيله تنهایی خود خزیدند.²⁴ (کسانی چون سیاوش کسرای، نعمت میرزازاده و... در چند سال بعد از کاروان انقلاب جدا شدند).

3- محافل ادبی تأثیر گذار بر شعر معاصر

از مهمترین اتفاقات در حوزه ادبیات دهه چهل تأسیس «کانون نویسندگان ایران» در سال 1346 بود به سردمداری جلال آل احمد (قطب اغلب روشنفکران دهه چهل). و حضور جمعی از نویسندگان و شاعران و اهل قلم. این کانون در دهه پنجاه نیز بافت و خیزهایی به کار خود ادامه داد.

مرگ صمد بهرنگی در سال 47 آتش مقاومت را شعله ورتر ساخت و برپایی شب های شعر خوشه در همان سال توسط شاملو از دیگر وقایع ادبی این دوره است.²⁵

از محافل ادبی دیگری که در ارائه اشعار مؤثر بودند شب های شعری بود که در سال 56 به مدت «ده شب» از طرف «انجمن گوته» - انجمن دوستی ایران و آلمان - در تهران تشکیل شد (که در پی سیاسی فضای باز سیاسی کارتر مجال فعالیت یافته بود). در این نشست، منتقدان و صاحب نظران ادبیات ایران شرکت کردند و بیشتر اشعار رنگ و بوی سیاسی داشت و سرشار از اعتراض به وضع موجود و دعوت به خیزش و حرکت بود.

4- زمینه های سیاسی شعر سیاسی ایران در عصر پهلوی

از مهمترین حوادث سیاسی تاریخ معاصر ایران را می توان اشغال نظامی ایران در شهریور بیست دانست که به تغییر شخص حاکم (رضا شاه به محمد رضا) انجامید این حادثه واقعات داخلی زیادی را در خود منعکس می کند از جمله عدم مشروعیت مردمی هیات حاکم، همچنین به بحرانها و پیامدهایی منجر می شود. در همین دهه است که بحرانهای آذربایجان و کردستان به وقوع می پیوندد حادثه نفت شمال - طرح سیاست موازنه منفی و... از حوادث این دهه است همچنین فضای نسبتاً باز سیاسی، جنبش ملی شدن صنعت نفت که حکایت

24 همان، ص 124.

25 احمد درستی شعر سیاسی در دوره پهلوی دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص 90.

از انعطاف در ساخت قدرت بود نیز رخداد مهم دیگری است که تحركات و پیامدهای بزرگی در پی داشت. از جمله کودتای 28 مرداد که خود حادثه مهم دیگری محسوب می شود که در نتیجه ناهمگونی نیروهای سیاسی - اجتماعی طرفدار مصدق و شکاف در آن، کاهش مشروعیت دولت و صدها دلیل دیگر بوقوع پیوست. این کودتا به شرایط نامساعدی انجامید که زندگی مردم، احزاب سیاسی و مطبوعات را باچالش مواجه ساخت. - ایجاد نهادهای سرکوب (ساواک و بازرسی شاهنشاهی) فشار بر نهادهای مدنی و تایید نهادهای ساختگی (احزاب دولتی) از پیامدهای کودتاست.

دهه 40 نیز اصلاحات ارضی و طرح اصول ششگانه انقلاب سفید متأثر از سیاستهای مسالمت آمیز کنندی را به عنوان مهمترین پدیده خود دارد که در پی آن تصویب کاپیتالیسیون و وقایع خرداد 42 این دهه را نیز از آرامش دور می دارد.²⁶

تحولات ذکر شده در یک جامعه آرام و عاری از بحران کمتر رخ می دهد در واقع شاید بتوان گفت دهه ای 20 30 و 40 از یک بحران آشکار رنج می برد البته این بحران ممکن است مورد اتفاق باشد اما در مورد علتش اختلاف دیده شود چرا که جریانات سیاسی نسبتاً متعددی در عرصه سیاسی مخالفتند. گروههای چپ - ملی گرا و مذهبی مهمترین تقسیم بندی از گروههای سیاسی فعال در این دوره است که اکثر صاحب نظران آن را مطرح کرده اند و حکایت از نوع نگاه به بحران، علل و راه حلها دارد.

26 جمعی از نویسندگان، به اهتمام مجتبی مقصدی، *تحولات سیاسی اجتماعی ایران 1320_57*، چاپ اول، تهران: روزنه، 1380، ص 30_427.

گفتار سوم:

چارچوب نظری توماس اسپریگنز (روش فهم نظریه سیاسی)

توماس اسپریگنز در "فهم نظریه های سیاسی" سعی می کند چارچوبی پویا از طریقه فهم نظریه های سیاسی ارائه دهد. چرا که معتقد است نظریه پردازان صرف نظر از اختلافات چشمگیر در سبک و مفاهیم، با مشکلات یکسانی مواجه اند و نسبتاً نیز به یک روش حل فکر می کنند.

بنا بر این روشهای متعددی برای فهم نظریه های سیاسی ذکر می کنند از جمله: موضوع نظریه که معمولاً در تاریخ آن نظریه مرتباً تکرار می شود. یا هدف نظریه و یا راه حل های ارائه شده توسط آن. به عبارتی نظریه سیاسی نوعی جستار است برای یافتن معیارها و راه حلها. البته اسپریگنز اشاره دارد که چون نظریه پرداز معمولاً آثارش را به ترتیب خاصی نمی نگارد و نظریه اغلب پس و پیش می شود؛ "منطق درونی" باید درک گردد، و این چارچوب پویایی را بدست می دهد که در فهم نظریات کارگر می افتد. بدین معنا که مثلاً نظریه پرداز از جایی که احساس سردرگمی و حیرتی است که نظریه پرداز را به تفکر واداشته است. بدین ترتیب است که به سؤالات اولیه می پردازد و بنابراین به راه حل می رسد.²⁷

بنابراین اسپریگنز از چهار مرحله سخن می گوید که به شکل گیری نظریات سیاسی می انجامد:

مشاهده بی نظمی- تشخیص علل آن- تصویر و بازسازی جامعه- ارائه راه حل در واقع اکثر نظریه

پردازان آثار خود را در زمانی نگاشته اند که به طور فزاینده ای احساس کرده اند جامعه شان دچار بحران شده است

27 توماس اسپریگنز، *فهم نظریه های سیاسی*، فرهنگ رجایی، چاپ دوم، تهران: موسسه انتشارات آگاه، 1370.

و بعد از آن است که به پیدا کردن ریشه آن می پردازند و بعد هم بازسازی خیالی دنیای سیاسی در ذهن نمود می یابد و سرانجام خصیصه بارز نظریه سیاسی نمود می یابد و آن ارائه راه حل است.²⁸

1- بحران و مشاهده بی نظمی

نظریات سیاسی در شرایط خوشبختی مردم حادث نمی شوند بلکه در شرایط مشکل و بحران بوجود می آیند. وقتی اوضاع اجتماعی مرتب است تجزیه و تحلیل عمیق نظم سیاسی مشکل و حتی بی فایده است. همه چیز به وسیله جامعه پذیری، با تشویق برداشتهای حاکم پذیرفته می شود. به همین دلیل است که نظریات و نظریه پردازان سیاسی اغلب "براندازنده" تلقی میشوند. چرا که هدفشان انتقاد اصول اساسی و زیربنای نظام سیاسی است.²⁹

- بحرانها گاه روشن و واضح اند، حداقل در سطح پیدا شدن علائم و نشانه ها، و تمام افراد جامعه را شامل می شوند مانند جنگ با همسایگان، از بین رفتن نظم اجتماعی و...³⁰

گاه نیز مشکل و بحران وجود دارد و واضح است اما در شناسایی بحران اتفاق نظر نیست.

- گاهی ممکن است بحرانها بسیار محدود و یا نا پیدا باشند بنابراین بسادگی قابل لمس نیست، حتی ممکن است در مورد وجود بحران توافق نباشد، اینجاست که اختلاف نظر آغاز می شود، بنابراین بحرانی که یک نظریه سیاسی را موجب می شود ممکن است در بعضی موارد سطحی و فردی باشد نه کلی و عالمگیر.³¹

همین مطلب است که دنیای نظریه پرداز را مهم می کند بنابراین برای فهم افکار یک نظریه پرداز سیاسی اولین سؤال این است: مشکل او کدام است؟ به نظر او چه چیزی فاسد و مخرب است؟ و از این قبیل. این "دریافت بی نظمی های فزاینده جامعه"³² یک بعد حساس وجودی نیز دارد که زندگی و روان شخص نظریه پرداز را در بر می گیرد. و گاه نظریه پرداز برای علت شناسی و خشکاندن ریشه درد و رنج به تفکر در اطراف و مسائل جامعه سیاسی و ادار می شود. بنابراین می توان نظریات سیاسی را نوعی درمان روانی جامعه سیاسی دانست.

28 همان، ص 45_44

29 همان، ص 55_49

30 همان، ص 60

31 همان، 60

32 همان، 63، به نقل از والتر لیمن

2- تشخیص درد

وقتی نظریه پرداز شرایطی را نامنظم تشخیص داد منطق مشاهده حکم می کند، زمینه مشاهده نیز بررسی گردد. بنابراین در این مرحله ای سؤال مطرح می گردد: اگر اوضاع سیاسی نامرتب است دلیل آن چیست؟ تکالیف نظریه پرداز در تشخیص درد نظریه پرداز در این مرحله باید نقش تحلیل گر را بازی کند. اولین سؤالی که در آغاز تحلیل با آن مواجه می شود و از حیاتی ترین موضوعات نظریه های سیاسی است که حتی باعث جدایی مکاتب بزرگ اندیشه سیاسی از هم نیز می شود چنین است: آیا مشکل سیاسی مطرح شده ریشه سیاسی دارد؟ اگر علت سیاسی تشخیص داده شود باید ریشه "عام" و "قراردادی" باشد.³³ اینجاست که نظریه پرداز باید در تشخیص به درستی به تکالیفش عمل کند.

1- علت سیاسی عام است از آن جهت که انفرادی نیست. یعنی مشکل به مسائل کلام اجتماعی و سیاسی ارجاع داده می شود و نه به مسائل فردی و یا اختلالات روانی یک فرد. تشخیص این مرحله در راه حل مؤثر است چه اگر مسأله سیاسی باشد می تواند راه حل سیاسی داشته باشد. البته قضاوت در این رابطه دشوار است چرا که فرد و جامعه به گونه خاصی در هم تنیده اند و تعامل دارند، و تشخیص ریشه مشکل می نمایند. مثل عقده روانی یک سیاهپوست که کاملاً ریشه اجتماعی دارد یا مشکلات روانی فردی که به اجتماع از طریق "انتقال" و "جابجایی" پیوند داده می شود.

2- دومین وظیفه نظریه پرداز تشخیص طبیعی یا قراردادی بودن مشکل است. چرا که اگر مشکل طبیعی باشد یعنی تغییر ناپذیر بدست بشر و موضوع نظریه سیاسی قرار نمی گیرد. اشتباه در این تشخیص زیانبار خواهد بود. تشخیص نادرست طبیعی بودن عامل بشری باعث عدم ارائه راه حل می شود و بالعکس آن به پیروی افرادی در امری ناممکن می انجامد.

موضوعات مرحله تشخیص

1- فطرت آدمی (انسان شناسی فلسفی) و نظریه سیاسی. اسپریگنز با بررسی نظریات سیاسی مطرح (روسو، افلاطون و...) به این جمع بندی می رسد که رابطه مستقیمی بین فطرت آدمی و نظریه سیاسی برقرار است، چنان که بر اساس فطرت پرخاشگر انسانی هابز، لویاتان بوجود می آید و انسان عاطفی روسو، جامعه متفاوتی را ترسیم می کند. و از این قبیل است تفاوت نظریات سیاسی مطرح بر این اساس می توان برداشت محافظه کارانه را از برداشت رادیکال تمیز داد. کسی که بیشتر مشکلات را از عوامل طبیعی می داند از کسی که علل بی نظمی را در نهاد های "دست ساخت بشر" می داند محافظه کارتر است، اینجاست که نمودار زیر را اسپریگنز ترسیم می کند:³⁴

2- فرهنگ سیاسی و نظریه سیاسی. علاوه بر سرشت آدمی موضوعات دیگری نیز در تشخیص مؤثرند. جامعه از متغیر پیچیده ای تشکیل شده است که بی نظمی در هر یک می تواند به بحران تبدیل شود. احتمالاً مشکلات یک نظام سیاسی نابسامان از "فرهنگ سیاسی" آن اجتماع (گرایشهای غیر رسمی، باورها و شیوه رفتارهای اجتماعی حاکم) ناشی می شود، یا حتی شکست در شیوه نهادهای تربیتی. چنانکه نظریه پردازان مهمی از جمله افلاطون، روسو و... به نهادهای تربیتی اشاره کرده اند.³⁵

3- نظام سیاسی و نابرابری در توزیع قدرت و نفوذ موضوع دیگری است که در تشخیص درد مؤثر است. احتمالاً مشکلات، تنشها و بی اثری یک نظام اجتماعی بیمار، از یک نظام کهنه و نابرابری در توزیع قدرت و نفوذ ناشی می شود. برداشت مارکسیستی تضادهای اجتماعی نوعی تشخیص از این دست است.³⁶

3- نظم، خیال؛ باز سازی جامعه

مشاهده بی نظمی به غیر از مشکل تشخیص درد مسأله دیگری را مطرح می کند که موضوع نظم سیاسی درست است. نظریه پرداز باید بتواند به این سؤال پاسخ گوید که: اگر این اوضاع خراب است اوضاع درست کدام است؟ او باید به خلاصه سؤال فلسفه سیاسی پاسخ گوید که جامعه خوشبخت کدام است؟³⁷

نظریه پرداز باید در قبال مشاهده بی نظمی، تصویر جامعه سیاسی نظم یافته را در ذهن و فکر ترسیم کند و طرحی ارائه دهد که نابسامانی ها را رفع نماید یعنی یک ذهن نظم یافته که در آن نابسامانی ها و نابسامانی ها قرینه باشند. او باید تصویری از این جامعه سالم را به عنوان یوتوپیا اگر چه در خیال، اما با توجه به واقعیات ترسیم

34 همان، ص 127

همان، ص 130_ 129

36 همان، ص 130 جمله معروف مدیسون می تواند روشنگر این معنا باشد: حکومت خود چیست جز عالی ترین مصداق فطرت انسانی؟ به نقل از Madi

37 همان، ص 139.

نمای، دترسیمی با توجه به حقایقی درباره دنیا، سیاست، انسان و زمان و مکان خود.³⁸ البته با معیارهایی که هنجار زندگی سیاسی هستند و این هنجارها شخصی و سلیقه ای نیستند و نظریه پرداز به نوعی کشف در این بازسازی اقدام می کند. بنابر این در این بازسازی نظریه پرداز به عناصری باید توجه داشته باشد: عنصر خیال و واقعیت در آرمانشهر، هنجارها به عنوان الگوی بازسازی، کشف و نو آوری.

انواع بازسازی نظری

می توان چند نوع "سلیقه" متمایز برای بازسازی جامعه در نظریات سیاسی مشخص کرد که به نوع خاص اندیشه سیاسی مربوط می شوند و بر همین اساس نامگذاری می شوند.

۱- برداشت رادیکال: که به معنی اصلی کلمه "ریشه" مربوط می شود که به تغییرات وسیع گفته می شود. یک نظریه پرداز آرمان گرا تصویر جامعه خود را با مشاهده شکستهای جامعه اش و سپس با تصور کردن جامعه ای که این شکستها در آن وجود ندارد ترسیم می کند. متفکر رادیکال با مشاهده نادرستی، حقیقت با مشاهده نفرت، اخوت با مشاهده جدایی ها، اتحاد و با مشاهده سرکوبی، آزادی را می بیند. خصیصه این سبک، عمق و جامعیت آن و هدفش بر آوردن کامل قابلیت های زندگی سیاسی، و البته ضعف آن نیز فراتر رفتن این نظریات از حدود قابل دسترسی است.³⁹

2- برداشت محافظه کارانه؛ یک متفکر محافظه کار بر اساس سنتهای جامعه می اندیشد نه بینش تعقلی. او البته به بهترین بودن آنچه هست نمی اندیشد بلکه معتقد است آنچه از آزمایش زمان رو سفید بیرون آمده بهترین شیوه تعدیل مشکل است. بنابراین به تجربه انسانی بها می دهد. بنابراین دارای این خصوصیات است: واقع گرایی، توجه به تجربه، ارائه طرح عملی. ضعف این برداشت نیز زمینه رکود و ارتجاع است.⁴⁰

3- بازسازی جامعه؛ روشی ما بین دو روش فوق است و روشی است برای آنها که به "اصالت عمل" معتقدند. نظریه پرداز اصلاح طلب فکر می کند راه درست، اصلاح نظام سیاسی است و نه تفحص مدام در اطراف آن. «اگر

38 همان، ص 149.

39 همان، ص 153_155.

40 همان، ص 156_157.

چرخه ناله می کنند به آنها باید روغن زد ولی نباید اصول ساختمانی آنها را مورد بررسی قرار داد.» این روش انعطاف پذیر و خالی از تعصب است و البته با ضعفهایی چون دوری از تفکر و دور اندیشی نیز مواجه است.⁴¹

بنابراین، بازسازی مرحله ای است که اگر چه سهم بزرگی در نظریه پردازی دارد کاملاً وابسته به مرحله قبل خود یعنی تشخیص درد است و موفقیت آن در قابلیت دوام و درجه عقلایی و حقیقی بودن آن، بسته به مرحله قبل است.

4-راه درمان

اسپریگنز، راه در مان را بامباحث شکاف " آنچه هست " و " آنچه باید باشد " مطرح می کند. و اینکه بخاطر توجه انسانها به حقایق، (انسان رفتارش را بر اساس بینشی که از واقعیات دارد بنا می کند) حتی ساده ترین عبارات درباره حقایق رگه ای از تجویز در خود نهفته دارد؛ به این ترتیب که "تناسب و تخصیص عکس العمل ها" را مشخص می کنند. بنابراین هر چه عبارت توصیفی، ژرف تر و جامع تر باشد، شمول تجویزی آن بر انگیزاننده تر و عمیق تر است.⁴²

"به این ترتیب است که نظریات سیاسی با بینش جامع و اساسی خود از نظم سیاسی، نتایج تجویزی مهمی دارند. وقتی برداشت انسان از واقعیات شکل می گیرد به طور حتم رفتار انسانی نیز از آن تأثیر می پذیرد، بنابراین جنبه تجویزی نظریات سیاسی استنتاج هایی هستند برای عکس العمل عاقلانه مناسب و عقلایی در جهانی که ساخت ویژه ای دارد. یک بینش جامع از حقایق منطقیاً به خودی خود راه حل مشخصی ارائه نمی کند ولی به طور وضوح رفتارهایی را باعث می شود که می توان آنها را منطقی تلقی کرد." ⁴³

بنابراین رابطه "هست" و "باید" (بین توصیف و درمان) را می توان در " اصل واقعیت " و نیروهای "انگیزه های طبیعی آدمی" دید. اصل واقعیت ما را وادار به عمل گرایانه می کند و نیروی انگیزه های طبیعی آدمی پی آمد الگوی رفتار بهنجار انسانهاست. انسان ها منطقیاً می توانند خواستار هرج و مرج و... باشند اما در حالت هنجار از این خطرات اجتناب می کنند پس اگر به شخصی بگویند از دو راه یکی راه موفقیت و دیگری راه شکست است او

41همان، 156_157.

42همان، 179_181.

43همان، ص 182.

منطقاً راه موفقیت را دنبال می کند بی آنکه چیزی به او تجویز شود. این مسأله در مورد نظریات سیاسی نیز صدق می کند.⁴⁴

بنابراین هر گونه توصیف از نظریک نظریه پرداز تجویزهای خاص آن نظریه را دارد. البته این نظریات شامل ارزیابی از قابلیتها، امکانات، ضرارتها و حقایق اند.⁴⁵ قابلیت اغلب با قضاوت درباره آنچه در گستره سیاست امکان دارد، رابطه دارد که البته در نظریات مختلف امکانها می توانند متفاوت لحاظ شوند (مارکس و فروید) ضرورتها نیز از جنبه های تجویزی نظریات سیاسی محسوب می شود که اغلب از قضاوت درباره آنچه ضروری است یک نظریه سیاسی نشأت می گیرد. بنابراین باید به محدودیتهای خاص خود توجه داشته باشد. بدین معنی که مثلاً جامعه سیاسی طبیعتاً جنبه ها و شرایطی دارد که برای بقا آن ضروری است بنابراین کسانی که راه حل سیاسی ارائه می دهند باید این جنبه ها را مدنظر گیرند، یعنی مد نظر گرفتن آنچه از نظر سیاسی محتوم قلمداد می شود در تدابیر سیاسی مناسب.

همچنین نظریات سیاسی بر اساس واقعیات موجود توصیه های تجویزی دارند که این واقعیات در جهان پیچیده مبهم و مشکل است اما آنچه مطرح است شکل و قالب این حقایق در کلیت موضوع است.⁴⁶

تدابیر و الویت ها

البته آنچه در مرحله درمان مطرح می شود مسأله الویتها است. توصیه های تجویزی که از برداشت جامع نظریه سیاسی از سیاست نتیجه می شود حاوی تمام راه حل ها نیست. نظریات سیاسی پیشنهاد می کنند که کدام ترتیب سیاسی مناسب ممکن است برای رشد انسان مفید باشد و اینکه کدام ترتیب سیاسی خواسته شده ضروری است و کدام اجرا شدنی. که قبل از به اجرا در آمدن یک ترتیب خاص تصمیمات دیگری نیز باید اتخاذ شود که مناسب بودن آنها به مسائل گوناگونی بستگی دارد، البته نظریات الویت را تا حدی مشخص می کنند.⁴⁷

44 همان، ص 183_184.

45 همان، ص 189.

46 همان، ص 189_206.

47 همان، ص 218_219.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

بنابراین در مرحله درمان می توان گفت: نظریه پردازان بزرگ بر اساس حقایق نظراتی مطرح می کنند که لزوما تحویز نیست اما تأیید آن به اجرا و عملی کردن آن می انجامد.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد